اهلال هلال قبل از زوال مکه و حکم صوم در بلاد شرقی

(49:42)

شاگرد: اگر ایزده ظهر در مکه دیده بشود، در مثل سیدنی نُه شب همان روز خودش میشود. یعنی حتی یک لحظه هم درک نکرده است.

استاد: ولی در وقت طلوع فجر در همان روز باید روزه بگیرند.

شاگرد: نباید بگیرند. چون هنوز داخل نشده است. ایزده ظهر مکه هلال رؤیت میشود، الآن در سیدنی نُه شب است.

استاد: نُه شب ـِچه روزی است؟

شاگرد: نُه شب ـِهمان روزی است که در مکه ایزده است.

استاد: احسنت. اگر امروز در مکه جمعه است، آن جا هم نه شب جمعه است. ما میگوییم روز جمعه روزه در سیدنی واجب است. اگر نگرفته اند باید قضا کنند. میگویید خب چطوری؟ میگوییم درست است که وقت غروب آنها مقارنه نشده بود –جلسه قبل مثالش را گفتیم- اما اصل حلول شهر به اینکه اهلال کاشف از آن شروع دور قمر جدید است، وقتی خطاب «صم»، «اتمّوا»، «کلوا و اشربوا حتی یتبیّن» میآید، آن وقت ماه داشتند.

شاگرد: نه، این غیر از موارد متعارفی است که ما داریم. در اینجا اگر یقین پیدا کند که ایزده مکه که نُه شب آنها است، قرار است ماه دیده بشود، نمیتواند آن روز روزه بگیرد. چون هنوز اهلال هلال نشده است.

استاد: اهلال هلال نشده ولی وقت طلوع فجر خود او قمر از مقارنه در شده یا نشده؟ طولیت هایی است که عرض میکنم.

شاگرد: طولیت را کنار بگذارید. میخواهیم بدون طولیت درست کنیم.

استاد: طولیت که برای او میگفت امروز واجب نیست. طولیت آن بود. الآن روی مبنای غیر طولیت میخواهیم تصحیح کنیم. وقتی طولیت را به کار میآورید به فرمایش شما میگوییم او که شبش است، تمام شده رفته، پس روز جمعه اصالً واجب نبوده است. از فردا، شنبه میگیریم. این طولیت میشود. طولیت این بود که میگفتیم خصوص آن بلد، حکمی در طول دیگری سوار میشود. اما اگر نخواهیم طولیت را اجراء کنیم، میگوییم شما باید همین روز جمعه را روزه بگیرید، اگر نگرفتید هم باز قضا کنید. طولیت را هم به کار نیاورید. بیانش چه میشود؟ شما میگویید وقت غروبش که اهلال هلال نشده بود. حتی مقارنه نشده بود. اما وقت طلوع فجر چطور؟

شاگرد۲: آن هم نشده بود.

استاد: مقارنه که شده. اقلش دوازده ساعت است.

شاگرد۲: در ایزده صبح نصف النهار مکه که نُه شب آنها است، تازه اهلال هلال شده است. دوازده ساعت این طرف تر میشود نُه صبح آنها.

استاد: علاوه اینکه با این توضیحی که من عرض کردم، نکته این است که اگر آنها اصل اهلال هلال و شهر را فی الجمله درک کنند شهر را در همان روزشان. البته طبق این مبنا که شارع نخواهد طولیت را اجراء کند، میخواهیم بگوییم اهل سیدنی باید جمعه را بگیرند، اگر از قبل میدانند. اگر هم نمیدانند باید قضا کنند. شبیه مواردیکه آدم نمی فهمد. این را به چه صورت تحلیل میکنیم؟ میگوییم شارع در این موارد، علی هذا المبانء، به فعلیت ولو بلحظه اکتفاء کرده است. مثل اینکه سلامش در وقت واقع میشود. همین که اینها پایان غروبشان هم ماه مبارک حلول کرد؛ «شهد الشهر» ولو به مسمی، شارع اکتفاء میکند که بگوید بر شما روزه تام و صحیح است. این جوری آیا با محاسبات جور در میآید یا نه؟ حال باز هم نیاز به محاسبه است.

شاگرد: در این مثال طبق خط زمان الآن، میگوییم جمعه شب است، درصورتیکه ممکن است طبق خط زمان شرعی بگوییم در سیدنی الآن شب جمعه است. شما خط زمان را همین جایی که هست در نظر میگیری و چون در شرق، روز جمعه گذشته است، جمعه شب میشود.

شاگرد۲: من که حساب کردم به این صورت نمیشود.

شاگرد: من که حساب کردم اینها طبق خط زمان الآن است.

استاد: فرمایش ایشان چیز دیگری است. ایشان میگوید چرا دوباره تلفیق میکنید؟ اگر نصف النهار دحو الارض را گرفتید، همه جا با همین جلو برو.

شاگرد۲: من با هوش مصنوعی این کار را کردم. گفتم اگر خط زمان را با نصف النهار مکه بگیریم، به نظرم مختصاتش به این شکل میشد.

شاگرد: اعتماد نکن به هوش مصنوعی، من مورد از او سؤال کردم منبع خودش داده، در منبعش خلاف نظرش است.

شاگرد۱: خط زمان را نباید زیر زمین بگیریم. روز ما از غروب شروع میشود. لذا از شب جمعه به جمعه میرویم. الآن خط زمان از نصف شب میگیرند.

استاد: ان شاءالله تأمل کنیم.

شاگرد:...

استاد: من میخواهم با یک نصف النهار خاص بحث را جلو ببرم. حال خط زمانش فرضی دارد. با هر فرضی توانستیم بحث را به‌صورت تام سر برسانیم، تمام است. چون صرف قرارداد است. اگر ما توانستیم با یک موضعه ای، بحث فقهی را صاف کنیم همان را انتخاب میکنیم.

بازبینی #3
ایجاد شده 15 ژانویه 2026 10:26:09 توسط ... .
به روزرسانی شده 15 ژانویه 2026 10:52:43 توسط ... .